

بقلم جناب خان معیر (میر الممالک)

## دختران فتحعلی شاه - خواهران ناصرالدین شاه

### دختران فتحعلی شاه

تا آنجا که بیاد دارم در دوران ناصری پنج دختر از فتحعلی شاه بجا بود بدین قرار :  
ماه تابان خانم ملقب به قمر السلطنه - خرم بهار خانم ملقب به احترام الدوله - ماه باجی خانم -  
مرصع خانم - شاهزاده خانم .



قمر السلطنه دختر فتحعلی شاه

۱ - قمر السلطنه - همسر حاج میرزا حسین خان مشیرالدوله سیهسالار بود . وی بانویی

خوش برخورد و بخشنده بود، باوجود پیری روئی گشاده و گیرا داشت و از این رو گمان میرفت که در دوران جوانی در زمرهٔ خوبرویان درباری بوده و نام و لقبی باستانی داشته است.

قمر السلطنه زنی لایق و بجزبان امور کشور و ویران بود چنانکه شوهرش پیش از گرفتن هر گونه تصمیم دربارهٔ کارهای مهم باوی رأی میزد. سنن دینی و شعائر ملی را سخت محترم میشمرد. گاه شادی بزم شاهانه میآراست و گاه سوگواری مجلس تعزیه‌داری برپا میساخت و در هر دو مورد مستمندان را اطعام میکرد، چندخانواده از سادات آبرومند ولی بی بضاعت از وی مستمری داشتند و در سایهٔ دستگیری او آسوده میزیستند. در اعیاد بهر کس بفرخور حال عیدی میداد. یکی از سالها که انیس الدوله در عید نوروز به نیت قمر السلطنه رفته بود وی مشتاقانه جواهر بیادیه بهمسر برگزیدهٔ شاه بعنوان عیدی ارزانی داشته بود.

ناصرالدین شاه سالی یک روز با کلیهٔ اهل حرم از ناهار بخانهٔ قمر السلطنه میرفت. روز مزبور در فصل گل‌های یاسمن (یاس شیروانی) و زنبق تعیین میشد، زیرا شاه این دو گل را سخت دوست میداشت و منزل قمر السلطنه در بهار پوشیده از یاسمنها و زنبقهای رنگارنگ بود.

قمر السلطنه سالی چندبار باندرون شاهی میرفت و گاه یک یا دو شب در آنجا بسر میآورد. بیوسته بر انیس الدوله وارد میشد و در مدت اقامت در اندرون نزد وی میماند.

**۲ - خرم بهار خانم احترام الدوله** - همسر میرزا فتحعلی خان صاحب دیوان بود. با آنکه من او را در خزان زندگی دیدم. باز از آب و رنگ بهاران گذشتهٔ عمر اثری بر چهره داشت و چنان مینمود که اسمش بی‌مناسبت نبوده است. بانوئی زنده دل و در عین سادگی و بی تکلفی باوقار و با مناعت بود، ولی نه فقر و مناعتی زائیده خودبینی و تکبر.

احترام الدوله از چمن آرا پرستار خود داستانی نقل میکرد که نمودار بی‌آلایشی و وفاداری کنیزان آن زمان است، و هر صاحب‌دل را برقت می‌آورد و بتفکر باز میدارد. وی میگفت:

« هنگامی که پدرم جهان را بدرود جاودان گفت برادرم جوانی نوری بود و من هنوز بسن رشد نرسیده بودم. پس از برگزاری مراسم سال وفات شاه، چمن آرا که از فقدان خاقان سخت دلخسته و تسلی ناپذیر بود بقصد مجاورت آهنگ کربلا کرد. روز پیش از عزیمت دست ما را گرفته بیای پردهٔ نقاشی شبیه شاه که در بالای تالار کاخ سلطنتی بدیوار آونگ بود برد، و چنانکه گوئی خاقان زنده است و در تالار نشسته برابر تصویر تعظیم کرده جبین بر زمین سائید، سپس دست بر سینه بعال ادب‌ایستاده خطاب پشیه شاه گفت: قربان، کنیزت اجازه میخواهد از خاکبایات مرخص شده باقی عمر را در جوار شاه کربلا بسر آرد. این خرم بهارت و این اورنگ کامکارت (اورنگ میرزا برادر بطنی خرم بهار خانم بود)، همانگونه که آنان را صحیح و سالم بدستم سپردی اینک چهارستون درست بدست می‌سیارم و امیدوارم که بزیر سایهات بزودی یکی عروس و دیگری داماد شود. آنگاه ما را از تالار بیرون فرستاد و خود زمانی دراز بر تصویر سلطان از جهان رفته بر از نیاز ادامه داد. »

احترام الدوله چون باندرون شاهی میآمد بمادر بزرگم تاج الدوله وارد میشد و هم نزد او میماند.

**۳ - ماه باجی خانم** - وی خواهر تنی شاهزادهٔ سلطان احمد میرزا عضو الدوله نویسنده تاریخ عضدی و همسر محب‌علی خان بود. شوهرش از ما کو و در حلقهٔ مقربان درگاه سلطان بود. بانوئی مزبور اندامی ریز و لاغر و چهره‌ای پهن و گندم‌گون داشت و از قراری که میگفتند در جوانی نیز از زیبایی بی‌بهره بوده است. با وجود پیری در گردشها و سفرهای بیلاقی یاد در رکاب ناصرالدین شاه ویا همراه



ماه باجی خانم

خرّم بهار خانم

مرصیح خانم

سروردوله همسرشاهزاده کامران میرزا نایب السلطنه بجالاکلی برزین می نشست و بر پشت اسب همه جا با آنان میرفت .

بچادرسپاه و رووند علاقه فراوان داشت . چادرهایش را از گرانبهاترین پارچه ها ، و روی بندهایش را از مرغوبترین بافتها انتخاب میکرد و برای هر رووند قلابه ای مخصوص داشت . قلابه ها طلا و مرصع بود و در وسط هر یک نگینی درشت از سنگهای قیمتی میدرخشید . پیوسته بیش از بیست دست چادر رووند در بچه های ترمه شمسه و مروارید دوزی حاضر داشت . ( قلابه عبارت از سنجاق و باصطلاح امروزه « برش » زیبایی بود که برای نگاهداری رووند بر آن نصب میکردند ) .

ماه باجی خانم دلدادۀ طبیعت و گل و سبزه بود . گلگهائی که در آن عصر در ایران کمیاب یا نایاب بود بوسیله باغبانان چیره دست در گرگخانه ها و باغچه های خانهاش پروانده میشد و باغ و اطافهایش گلستان حقیقی بود .

درسفرهای ییلاقی هر روز خود دسته ای چند گلگهای وحشی از کوه و دره و کنار رود می چید و با سلیقه ای خاص درون گلدانه های چینی و بلور قرار داده خیمه خویش را بدان می آراست .  
ماه باجی خانم هر گاه آهنگ اندرون شاهی میکرد بر شکوه السلطنه وارد میشد و ایام در تنگ خویش را نزد اوس بر می آورد .

**۴- مرصع خانم** - همسر حاج محمدقلی خان آصف الدوله دائی زاده فتحعلی شاه بود . قدی میانه ، اندامی متناسب و اندکی قره و پوستی سفید و لطیف داشت ، و از قراری که میگفتند زیباترین دختر فتحعلی شاه بوده است . بانوی مزبور بسیار پاکیزه و خوش لباس بود و بادای فرائض دینی و بحث در مسائل مذهبی رغبتی بسزا داشت . پیوسته بنماز و دعا و مقابله قرآن مشغول بود و خمس و زکوة را بدون دیناری کم و زیاد میبرد و با تمام آهنگ اطهار را با تمام آداب جشن میگرفت و ایام سوگواری را با تمام عقیدت تمیزه داری میکرد .

مقید بود که هر ساله خود گلاب بکشد . در ماه دوم بهار از باغهای شاهی و از جانب شاهزادگان و دوستانش خرمن خرمن گل سرخ معروف به محمدی برایش فرستاده میشد . مرصع خانم با کمک چند تن از خیمه آرموده دست بکار میزد و بمقدار زیاد آب گل گرفته در شیشه های بلورین میکرد . در شبهای ماه رمضان ضمن انجام اعمال وارده ادعیه و اوراد خوانده در شیشه های گلاب میدمید و روز عید قطر برای هر یک از بانوان حرم ناصری و همسران شهزادگان و غیره شیشه ای میفرستاد .

از میان همسران شاه با شمس الدوله بیش از دیگران دغور و مانوس بود . هر زمان که باندرون شاهی میرفت به شمس الدوله وارد میشد و مدت اقامت خود را نزد وی میگذرانید .

**۵- شاهزاده خانمه** - وی را در اندرون شاهی چنین میخواندند و هرگز نشنیدیم که با سنی دیگرش بنامند . اندک مدتی پس از عروسی شوهر خود را از دست داده بود و هیچگاه نام شوهرش را نیز از کس نشنیدیم .

بانوی مزبور از جمله زنانی بشمار میرفت که در جوانی زشت رومیباشند و در یری قیافه ای مطبوع بخود میگیرند . او از اندازه برون تمیز و با سلیقه بود و هر یامداد و تمام دست و روی خود را با گلاب می شست . در فن خانه داری و آشنیری کمتر نظیر داشت و این از آنجا بود که در دوران فتحعلی شاه هر روز یکی از دخترانش غنایم بغیر از آنچه که در مطبخ شاهی تهیه میشد می بخت و برای پدر میفرستاد . شاهزاده خانمه بانویی فروتن و خوش صحبت بود . با همه میجو شید و با خرد و بزرگ بفرخور

حال میساخت . زمان تنهایی و بیکاری را بمطالعه میگذرانید و مطالب تاریخی و داستانهای شیرین بسیار در سینه محفوظ داشت . اغلب شبها دورش گرد آمده از وی میخواستیم تا بر ایمان نقل گوید او نیز



### شاهزاده خانم دختر خاقان

خواهش کودکانه ما را بطیب خاطر بر میآورد، و چنان گرم و جالب سخن میگفت که بزرگها نیز لب از گفت و گوی بسته بگفته‌های او گوش فرا میدادند .

شاهزاده خانم در موسم هر گل چند دانه از آن کنار چارقد در زیر زنج و بر طرف گونه میزد بطوریکه در بهار و تابستان پیوسته گرد نیمه زیرین چهره‌اش از گل احاطه شده بود . در فصل گل سرخ محمدی و یاس هر بامداد تعدادی از گل‌های مزبور را برشته‌ای بسته مانند نیماج بسر مینهاد و یا برگردن می‌آویخت ، و نیز آنها را در کیسه‌های کوچک حریر ریخته لابلای جامه‌های خویش می‌نهاد .

شاهزاده خانم ماههای محرم و صفر را همه‌ساله در حرمسرای شاهی میگذرانید و در مراسم

تعمیر خوانی عزیز السلطان که در سالهای کودکی او در اندرون انجام میشد و شرح آن در جای خود بتفصیل رفته است سمت تعمیر گردانی داشت .

بانوی مزبور زمان درنگ خویش را در اندرون پیوسته نزد تاج الدوله سر میکرد . این مطلب نیز ناگفته نماند که اهل حرم سلطنتی معمولاً دختران فتحعلی شاه را بنام شوهرشان مینامیدند با اضافه کردن کلمه شاهزاده در اول آن بدین قرار : شاهزاده صاحب دیوان - شاهزاده محبت علی وغیره .



### خواهران ناصرالدین شاه

۱ - عزت الدوله - خواهر تنی شاه و همسر میرزا تقی خان امیر کبیر بود و پس از او زن



عزت الدوله خواهر ناصرالدین شاه

یحیی خان مشیرالدوله شد . بانویی باشخصیت و متکبر بود و بی پرده ولی متین و گزیده سخن میگفت .

هر گاه کردار یا گفتار کسی حتی دختران شاه او را خوش نمی آمد فی المجلس آنرا خاطر - نشان میساخت اما نه بالحنی توهین آمیز .  
 هرگز پناهاریاشام منزل کسی نمیرفت مگر باندرون شاهی . برای قبول دعوت یا انجام بازدید پیوسته عصر گاه را انتخاب میکرد . هر جا بهمانی میرفت همیشه دوازده تن خدمه با جامه های زیبا و چادر و روبندهای گرانبهاش بودند که یکی از آنان حامل آبخوری مخصوص بود این آبخوری عبارت از قوری بلورینی بود درون محفظه ای بهمان شکل از نقره نگین نشان و در جامی بهمین کیفیت .



عزیزالدوله خواهر ناصرالدین شاه

خانه و دستگامی با شکوه و مرتب داشت . درعید مولود حضرت سیدالشهدا ضیافتی دو روزه برپا میساخت . روز اول از برادر تاجدار و بانوان حرمش پذیرائی میکرد و روز دوم از بانوان شهزادگان و اشراف و وزرا و غیره .  
 عزتالدوله از امیر کبیر يك دختر آورد که بعقد مظفرالدین شاه درآمد . ثمر این ازدواج